

# پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی مقدرات برجام

## فرامرز دادور

ندای آزادی: با توجه به شرایط سالهای قبل از برجام مانند تحریم های بین المللی و خطر جدی جنگ، آیا برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) قرارداد مثبتی برای کشور ما بود، و یا فقط باعث بقای جمهوری اسلامی شد؟

فرامرز دادور: در صورت وجود یک رژیم دمکراتیک در ایران، هر نوع قراردادی میبایست از کانال شفاف، قانونی (موافقت پارلمان) بگذرد. اما در نبود این شرایط، بهتر است که از انجام هر نوع موافقتنامه ای که موجب برداشتن تحریم های اقتصادی، جلوگیری از بروز جنگ و حفظ صلح، اختلال در تولید تکنولوژی منوط به سلاح های اتمی و از همه مهمتر، تقلیل در فشار بر زندگی توده های مردم باشد، بدون دادن اعتبار سیاسی به جمهوری اسلامی، استقبال شود، حتی اگر که حکومتگران بخواهند از این موضوع برای افزودن به حیات نظام استفاده نمایند. بر اساس تفاهم هسته ای برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در وین بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه 5+1 در 2015 (23 تیرماه 1394)، ایران تضمین نمود: که سلاح اتمی تولید نکند، ماشینهای سانترافیوژ را از 20000 به 5000 تقلیل دهد و 98 درصد از ذخایر اورانیوم را از بین برده و مابقی اورانیم را در سطح ماکزیمم 3.6 در صد حفظ کند. طبق گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی (ال ای ای ای) ایران به موارد فوق عمل نموده است. برای آن بخش از اپوزیسیون مردمی، از جمله جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک که مخالف تولید سلاح های اتمی در ایران و جهان است، این توافق نامه، میباید بخودی خود یک حرکت مثبت قلمداد میشد.

ندای آزادی: در صورتی که ایران به تعهداتش بر مبنای این توافق ادامه دهد و دیگر طرفهای برجام مانند چین، روسیه و اروپا به آن پایبند بمانند، برجام می تواند بدون حضور امریکا ادامه داشته باشد؟

**دادور:** امکان اینکه تعهد به پرجام، بدون ادامه حضور امریکا در این موافقتنامه ادامه پیدا کند، مشکل است. دولت امریکا بر متحدین و حتی کشورهای همشایه ایران مانند عراق فشار وارد میکند که مبادلات اقتصادی بر مبنای دلار را با ایران به حداقل برسانند. البته در مقابل، ایران، نیز در تلاش است که علاوه بر روسیه و چین به همکاریهای نزدیکتر با ترکیه و پاکستان دست یابد. در وضعیت کنونی، حکومتگران امریکا در راستای استراتژی جهانی و در رقابت با دیگر قدرتهای جهانی مانند چین، روسیه و اتحادیه اروپا، خواستار تداوم کنترل سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه هستند و بدان جهت ضروری میبینند که رژیمهای غیر متعارف و سرکش مانند جمهوری اسلامی، "رام" گردند. اما سیاستهای دیگر قدرتهای جهانی که در درجه اول، منافع سرمایه های داخلی خود را تعقیب میکنند، با امریکا همسو نیست. برای مثال صنایع ماشین سازی چینی 10 درصد و تولیدات لوازم یدکی حدود 50 درصد از بازار ایران را در دست دارند و کشور چین هر سال نزدیک به 15 بلیون دلار نفت از ایران وارد میکند. روسیه موافقت کرده است که حدود 50 بلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کند. در ضمن چین و روسیه تضمین کرده اند که به روابط اقتصادی با ایران را ادامه بدهند. در دنیای امروز که روابط اقتصادی بین کشورها پیوند بسیار نزدیکی با هم دارند، تحریم اقتصادی امریکا در عین اثر گذاری مخرب در اقتصاد ایران، لزوماً سرنوشت ساز نخواهد بود، در عین اینکه احتمالاً تفاهم نامه پرجام، نیز بتدریج بکنار گذاشته خواهد شد.

**ندای آزادی: آیا ملغا شدن برنامه پرجام باعث سقوط و یا تسریع سقوط نظام جمهوری اسلامی خواه شد؟**

**دادور:** نمیتوان پاسخی قاطع به این سوال داد. حال که پرجام، یکجانبه از سوی امریکا ملغی شده است، سردمداران رژیم و بویژه شخص خامنه ای بخاطر حفظ نظام و جایگاه حکومتی خود به انواع ترفندها متوسل میگردند. اگر در سالهای پیش با دستور خامنه ای و مدیریت حسن روحانی، رژیم ایران به پای مذاکره با کشورهای 5 بعلاوه 1 رفت و دستور داده شد که "مجلس نمایندگان" پرجام را بلافاصله تصویب کند، حال، ادعا میگردد که اصلاً "مذاکره با امریکا ممنوع باشد". این نوع چرخشها در مواضع سیاست خارجی و ارائه نمایش در افکار عمومی، عمدتاً بخاطر حفظ "مشروعیت" نظام در برابر مردم است. اما بهرحال مشکلات زیادی در مقابل حکومت جمهوری قرار دارند. با توجه به عوامل مهمی مانند: وضعیت وخیم

اقتصادی، فقر و محرومیت فزاینده در جامعه، تنزل شدید در ارزش پول ایران، تورم بالا و گسترش معضله‌های فراگیر اقتصادی به پایگاه سنتی نظام (طیف‌های پایین بازار که اکثریت کمی را در این قشر تشکیل می‌دهند)، ناروشنی در رابطه با جانشینی در بعد از مرگ خامنه‌ای و البته اوج‌گیری اعتراضات و اعتصابات در میان جنبش‌های اجتماعی، بویژه از سوی کارگران، زنان و فعالان حقوق بشر و محیط زیست که خیزش دی ماه نمونه بسیار مشهود آن بود؛ ادامه بقای نظام بسیار مشکل شده است.

**ندای آزادی: آبا توجه به قدرت و امکانات گسترده امریکا برای تحریم ایران و تحت فشار قراردادن کشورهای دیگری که با ایران مناسبات اقتصادی دارند، خروج امریکا از برجام چه پیامدهای برای مردم ایران و برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت؟**

**دادور:** یکی از پیامدهای آن ضربه به روند جهانی برای جلوگیری از افزایش تولید سلاح‌های اتمی است که در نهایت برای مردم ایران و جهان ضرر خواهد داشت. البته، تاثیر آن در وضعیت مردم و حکومت چند گانه می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی باعث ناهنجاری‌های زیادی در شرایط زندگی مردم می‌گردد که هم اکنون با فقر، محرومیت، بیکاری، کم کاری و گرانی مواجه هستند. اتحادیه اروپا، به رغم وجود تمایل در دول آن برای حفظ برجام، با توجه به ارتباط تنگاتنگ اقتصاد سرمایه داری آن با امریکا و وجود هژمونی مالی از سوی شرکت‌های امریکایی، نخواهد توانست به روابط اقتصادی عادی و سرمایه گذاری در ایران ادامه دهد. پیشاپیش، شرکت‌های هواپیماهای مسافربری ایرباس، کشتیرانی فرانسوی سی ام سی ام و شرکت نفتی توتال فعالیت‌های اقتصادی خود با ایران را تقلیل داده یا متوقف نموده اند. مکانیسم مالی سوئیت (جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکها) نیز دوباره متوقف شده، روابط پولی ایران با خارج تقریباً فلج گردیده است. به احتمال زیاد، رژیم ایران که خواهان رویارویی نظامی با امریکا و اسراییل نبوده و ادامه حیات خود را در قید حفظ روابط اقتصادی با غرب و البته در سطحی با امریکا می‌بیند، اما بخاطر مصالح ایدئولوژیک (از جمله حفظ "مشروعیت" سیاسی در میان پایگاه اجتماعی خود که سریعاً در حال تقلیل است) مجبور است که در سطحی به سیاست‌های دخالتگرانه در منطقه ادامه داده و برنامه موشکی خود (که یکی از شرایط دولت امریکا برای از سرگیری برجام است) را متوقف نسازد. به احتمال زیاد، این واقعه به محو تدریجی تفاهم نامه منجر خواهد شد که ایران و منطقه را در معرض معضلات

عظیم اقتصادی و خطر جنگ قرار میدهد.

**ندای آزادی: اپوزیسیون خارج از کشور چه وظائفی در این شرایط بر عهده دارد؟**

**دادور:** برای اپوزیسیون مردمی ایران، بهبودی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم میبایست از اهمیت درجه اول برخوردار بوده و در نزاع بین رژیم ایران و دول خارجی که عمدتاً بخاطر حفظ منافع استراتژیک آنها است، جانبداری از هیچ سویی جایز نیست. بویژه در رابطه با دعوی بین دو دولت ایران و آمریکا که دولت آمریکا، در پرتو استراتژی هژمونیک خود میخواهد رژیم ایران با اسرائیل، عربستان و امارات اتحاد عربی کنار آمده و اجازه دهد که حاکمان در این کشورها به مقاصدشان از جمله در عراق، سوریه و لبنان برسند و اینکه جمهوری اسلامی بخاطر برنامه های استراتژیک و از جمله حفظ جایگاه سیاسی خود، نمیخواهد از برخی نواحی در خاورمیانه عقب نشینی کند؛ مستقیماً به منافع مردم ایران مربوط نیست. اما بر اساس یک نگاه متری که از یکطرف رژیم جمهوری اسلامی را نفی میکند و از طرف دیگر با سیاستهای هژمونگرای آمریکا و متحدانش مخالف بوده، خواستار برقراری مناسبات دیپلماتیک صلح جویانه و متعهد به ارزشهای جهانشمول حقوق بشر در سطح جهان میباشد، تحریمهای اقتصادی و برخورد نظامی قابل قبول نیست. ایجاد دگرگونی رادیکال در جامعه بر عهده مردم در ایران است که به رسالت عظیم خود برای براندازی نظام و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی عمل کنند.